

یادداشت

قتلگه



● هفته گذشته یکی از نمایندگان مجلس، بیمارستان‌های خصوصی را قتلگه نامید! شنیدن چنین تعبیر کلی در تاکسی، آسانسور و خیابان در هر موردی امری رایج است، اما از نمایندگان مردم بعید است که چنین تعبیر غیردقیق و غیرعلمی‌ای که به خودی خود نشانه‌ای از بی‌اطلاعی از بسیاری واقعیات است، به راحتی بر زبان بیاورند. بعلاوه چنین اظهاراتی بی‌تردید سوءتفاهمات فرهنگی را عمیق‌تر و فاحش‌تر می‌کند. آقای نماینده‌محترم احتمالاً مطلع نیستند که سرمایه در سلامت سودآور نیست، در حالی که سرمایه به معنی اندوخته سالیان جوانی در همه رشته‌ها اندک سودی دارد و شاهدیم اموال منقول و غیرمنقول در طول سالیان تا چه حد ارزش افزوده دارند، اما سهامداران بیمارستان‌های خصوصی هیچ سودی بابت سهام خود دریافت نکرده و نمی‌کنند و تنها درصد اندکی از این سهامداران، جراحان یا طبیبی هستند که درآمدهای آنچنانی (خارج از تعرفه‌های موجود) دارند. بخش عمده این سهامداران، پزشکان داخلی، قلب، اطفال، غوثی، مغز و اعصاب و… هستند که هیچ‌گونه دریافتی غیر از تعرفه‌هایی که همه می‌دانند غیرواقعی است، ندارند و آن مبالغ هم همیشه با چندین ماه تاخیر از جانب بیمه‌ها پرداخت می‌شوند. بخش مهمی از پرداخت‌هایی که روز ترخیص توسط بیماران پرداخت می‌شود و نماینده محترم احتمالاً به یاد می‌آورد، پرداخت‌هایی است بابت اقامت، غذا و امکانات دیگری که همین حالا هم در پرداخت در مثلا یک هتل کمتر هستند و افزایش آنها در نتیجه تورمی است که ایجاد شده و تصادفاً بخش پرداخت‌شده به پزشکان که چیزی کمتر از ۱۰ درصد این مبلغ است چندان تحت‌تاثیر تورم قرار نگرفته‌است. در واقع پزشکان داخلی غیرسهامدار با کار، اعتبار و سرمایه خود (که در هر زمینه دیگری می‌توانست درآمدی بدون کارکرد برای دوران بازنشستگی باشد) بستری را فراهم کرده‌اند که از یک سو برای دولت بخش قابل توجهی از درمان را به دوش می‌کشد و از سوی دیگر تعداد انگشت‌شماری از همکاران جراح‌شان می‌توانند در آن بستر درآمدهای آنچنانی داشته باشند. جالب اینجاست که این دو سوی طیف هم کاری به کار یکدیگر ندارند، اولاً دولت توان برخورد با این دریافت‌های غیرمعمول را ندارد چرا که بخش اعظم این اعمال نه‌تنها به عوارض چندان‌ی نمی‌انجامند بلکه کارهایی با کیفیت بسیار پایین هستند که توسط بهترین اساتید کشور انجام می‌شوند و باعث افتانمای استانداردهای طب شده‌اند، ثانیاً این پرداخت‌های رضایت‌مندانه تعدادشان (و نه رقمشان) برخلاف وزیت، بسیار اندک است و باعث نارضایتی تعداد زیادی از مردم نخواهد شد در صورتی که با اصلاح تعرفه‌های وزیت (بخوان تفکر) و ناکارآمدی بیمه‌های باقوه نارضایتی زیادی پدید خواهد آمد! و دولت که توان اصلاح اساسی این تعرفه را ندارد در واقع با کاهش کیفیت درمان از این نارضایتی جلوگیری می‌کند. اما بسیاری از پزشکان شافل در بخش خصوصی همان اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها هستند، البته که یکی از دلایل مهم اجبار این طبیبان به کار در بخش خصوصی دلایل اقتصادی و غیرواقعی بودن دریافت‌ها در کار آموزشی است، اما دلایل بسیار مهم دیگری هم وجود دارد که باعث می‌شود سرمایه‌ای که در بخش‌های سودآور باشد به صورت سهام دربیاورند تا بتوانند در جایی کار کنند که درجاتی از احساس تعلق و استقلال در آنها ایجاد کند و بتوانند در محیطی آرام‌تر و با استانداردهایی بالاتر کار کنند، جایی که می‌توان بیماران را در درمانگاه تکنک معاینه کرد و برای تهیه هر قطعه کوچک ضروری گرفت کار یک بوروکراسی پیچیده نشود! در خاتمه باید گفت اقامت طولانی و پرهزینه بیماران بدحال در آی‌سی‌یو که در بسیاری از موارد به مرگی پرهزینه منجر می‌شود نه به نفع و میل طبیبان است نه بیماران‌ها، وزیت بیماران آی‌سی‌یو با تعرفه‌های موجود مسوولیت‌های ایجادشده و ملاقات‌های متعدد باهم‌راهم این از شاق‌ترین وظایفی است که طبیبان داخلی تا مجبور نشوند به آن تن نمی‌دهند و ادامه یافتن این وظیفه در شرایط حاضر تنها به دلیل وظایف معنوی این طبیبان انجام می‌شود نه دلایل مادی، آن هم با چنین تعرفه‌هایی. این طبیبان حتی با چنین اظهاراتی هم وظایف انسانی خود را فراموش نخواهند کرد و در آخرین تحلیل چنین‌تقصه فرهنگی را نیز چون یکی از چالش‌های درمانی در نظر می‌گیرند. آرد! آقای نماینده محترم می‌توانید یکبار دیگر خاطرات اخیر خود را مرور کنید! بهترین آخرین بار برای بیماری خود یا بستگان، به یک بیمارستان دولتی مراجعه کردند یا یک قتلگه؟

دکترتوحیدتوحید

صدرا محقق: تنها چند روز پس از اعلام خبر تولید

بنزین بر پایه متانول توسط وزارت نفت، انجمن خودروسازان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به مسؤولان سازمان محیط‌زیست به این خبر واکنش نشان داد. بر این اساس خودروسازان مدعی شده‌اند این بنزین علاوه بر آسیب‌رسانی به قطعات خودرو به خصوص در قسمت سوخت‌رسانی موجب افزایش آلودگی هوا و خطرات جانی برای شهروندان هم خواهد شد به گونه‌ای که در این نامه آمده است «بخارات متصاعده از متانول به شدت سمی بوده و علاوه بر صدمات ریوی، حتی ممکن است باعث کوری چشم شود».

در همین حال اما پیگیری «شرق» برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره این بنزین جدید و آسیب‌های احتمالی آن برای شهروندان و خودروها به جایی نرسید، به عنوان مثال رضوی، مدیرعامل ستاد مرکزی معاینه فنی خودروهای

تهران در واکنش به این خبر به «شرق» گفت: «من هیچ اطلاعی درباره بنزین جدید ندارم و با آسیب‌های آن برای سیستم خودروها هم آشنا نیستم». همچنین بهروز دهنراد، کارشناس محیط‌زیست و استاد سابق دانشگاه نیز با اعلام اینکه تاکنون درباره بنزین بر پایه متانول چیزی شنیده، به «شرق» گفت: «این امری‌دانم که در بسیاری از کشورها از بنزین بر پایه اتانول استفاده می‌کنند که سوخت بسیار استاندارد و خوبی هم هست اما شواهد نشان می‌دهد مسوولان کشور ما صرفاً در حال انجام آزمون و خطا هستند.»ر نامه انجمن خودروسازان نیز که خطاب به شاعری، قائم‌مقام سازمان محیط‌زیست نوشته شده درباره بنزین جدید آمده است: «در حالی که در اغلب کشورهای جهان برای ارتقای کیفیت سوخت، از پنج تا ۱۵ درصد اتانول استفاده می‌کنند متناسفانه ما به دنبال استفاده از متانول آن هم با ترکیب پنج‌درصدی هستیم که حتی بخار آن باعث کوری چشم می‌شود.» در ادامه این نامه پنج مورد از آسیب‌هایی که این

محمدرضا نیک‌نژاد، مدیرعامل ستاد مرکزی معاینه فنی خودروهای تهران

کسانی که تجربه تکان‌های زمین‌لرزه را از سر گذرانده باشند، می‌دانند که آدمی، تا ماه‌ها، با هر صدا و لرزشی، ناخودآگاه هراسان می‌شود. پس از زمین‌لرزه سال ۸۵ بروجرد، که در روزهای تعطیلی جشن نوروز رخ داد، هفته‌ها این هراس با من بود. در آن سال‌ها در دو دبیرستان در مرکز تهران کار می‌کردم، هر دو ساختمان‌هایی کهنسال داشتند و البته هنوز هم دارند. پس از بازگشت به تهران تا روزها، هر گاه دانش‌آموزی می‌زسر از جابه‌جا می‌کرد یا کسی درون یا بیرون کلاس راه می‌رفت، کف کلاس به لرزه می‌افتاد و من مارگزیده ناخودآگاه از جا پریده و آماده فرار از کلاس می‌شدم اما پس از چند ثانیه، هنگامی که آرامش و شگفتی بچه‌ها را می‌دیدم یا کمی شرمندگی خود را به کوچی علی‌چپ می‌زدم و آرام می‌گفتم، تا هفته‌ها چنین بودم تا اینکه من هم مانند دیگران، به آن لرزش‌ها و نایمنی ساختمان، خو گرفتم. یکی از این دبیرستان‌ها سه طبقه داشت، سومین طبقه آن به دلیل خطرات اینجینی به کار گرفته نمی‌شد، اما همچنان از مدرسه‌های پرجمعیت بود! اکنون نیز در یکی از همین دبیرستان‌ها کار می‌کنم، اگرچه به لرزش‌ها خو گرفته و گرفته‌ام، اما آنها خبر دلهره‌آوری به دستکش به پاسخگویی به پرسش‌های آزمون می‌پردازند.



کامیار عجدی

ما ایرانیان به شکل حیرت‌آوری عاشق مدارک و القاب و عناوین هستیم. گروه‌بان راهنمایی و رانندگی را «جناب سروان» خطاب می‌کنیم تا شاید برلمان به که جریمه صادر نکند؛ آمبول‌زن در مانگه‌ا را «آقای دکتر» می‌خوانیم تا شاید با ملاطفت بیشتر آمبولمان را بزند؛ و سیم‌کش را «آقای مهندس» نامیم تا شاید کارش را بهتر انجام دهد و پول کمتری بگیرد. مدرک‌گرایی متأسفانه به بخشی از فرهنگ ما بدل شده که تملق و چاپلوسی را در حرف تقبیح، اما در عمل تشویق می‌کند.

البته مدرک‌گرایی به ایران منحصر نیست و ظاهراً در بسیاری از کشورهای جهان هم در حال توسعه، چون ایران، رواج دارد، اما چنین به نظر می‌رسد سه‌هر چه رتبه‌بندی کشورها پایین‌تر می‌رویم این گرایش شدت‌پذیر می‌شود. نمونه بارز دیکتاتور سابق اوگاندای عیدی امین بود که در اواخر دوره حکومت سیاستش دست‌نور داده بود تا او را با عنوان برلمطاری «رییس‌جمهور مادام‌العمر، فیلد مارشال، الحاجی، دکتر عیدی امین، فاتح امپراطوری بریتانیا در افریقا» به طور اعم و در اوگاندا به طور اخص (و چند عنوان دیگر) «خطاب کنند، در صورتی که می‌دانیم عیدی امین تحصیلاتش در حد ابتدایی بود و حتی دیپلم دبیرستان نداشت چه رسد به مدرک دکتر. علاوه بر این، عیدی امین هرگز به حج نرفته بود بنابراین حاجی نبود. و در نهایت، سواي قتل عام هزار نفر از مردم کشور خودش، تنها جنگ مهمی که در آن شرکت کرد با نترانیا بود که در آن هم شکست خورد و حکومتش سرنگون شد، پس ظاهراً فیلد مارشال موفقی هم نبوده.

از آن سو، کشورهای توسعه یافته را شاهدیم که مدرک‌گرایی و القاب و عناوین را سال‌هاست کنار گذاشته و افراد را، در هشت و مقامی که می‌خواهند باشند، صرفاً بر اساس شایستگی و تجربه نامزد می‌کنند. اما در ایران، به عنوان مثال، بهر آنکه یک پزشک به رییس‌جمهورشان باراک‌اوباما از هاروارد، یکی از برجسته‌ترین دانشگاه‌های جهان، در رشته حقوق (با تخصص در زمینه قانون اساسی آمریکا) دکتر! دارد. همسرش میشل هم، که شاید بسیاری تصور کنند زنی خانedar بیش نیست، از همان دانشگاه دکترای حقوق (با گرایش حقوق خانواده) دارد و چه بسا ثروت شخصی‌اش از همسرش بیشتر باشد، چون حقوق خانواده‌بیشتر و در سطح

جامعه



انجمن خودروسازان مطرح کرد

هشدار درباره بنزین متانولی

بخار این بنزین باعث کوری چشم می‌شود

سوخت بنزین در موتور آنها بر می‌گردد. با این همه وزارت نفت از کار خود دفاع می‌کند و عزم خود را برای تولید بنزین متانولی جزم کرده است. به عنوان مثال چندی پیش جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره مهم‌ترین ویژگی‌های ترکیب جدید بنزین متانولی گفته بود: ترکیب جدید بنزین فاقد ترکیبات آروماتیک، بنزن و برخی از آلکندهای زیست‌محیطی است. همچنین فشار

بنزین به سیستم خودروها و سلامتی شهروندان وارد می‌کند نیز ذکر شده است. از جمله این موارد می‌توان به احتمال افزایش خطر آتش سوزی خودروها و بالا رفتن میزان مصرف سوخت اشاره کرد. البته نامه انجمن خودروسازان در این باره در حالی منتشر می‌شود که برخی کارشناسان معتقدند ایراد اصلی در این زمینه بیش از آنکه به کیفیت پایین سوخت مربوط باشد به استاندارد ضعیف خودروها و فرآیند ناقص

سوخت بنزین در موتور آنها بر می‌گردد. با این همه وزارت نفت از کار خود دفاع می‌کند و عزم خود را برای تولید بنزین متانولی جزم کرده است. به عنوان مثال چندی پیش جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره مهم‌ترین ویژگی‌های ترکیب جدید بنزین متانولی گفته بود: ترکیب جدید بنزین فاقد ترکیبات آروماتیک، بنزن و برخی از آلکندهای زیست‌محیطی است. همچنین فشار

تحول بنیادین در حفظ جان دانش آموزان

محمدرضا نیک‌نژاد*

در دل دارند و آن این است که دبیرستان ما- مانند بیش از ۶۰ درصد فضاهای آموزشی کشور- ایمن نیستند. اما ما به نایمنی آنها خو گرفته یا خود را به خوب زده‌ایم، تا روزی که مانند دبیرستان «شین‌آباد» همه در برابر کار انجام‌شده قرار بگیریم و تنها کاری که از دستمان برمی‌آید فرافکنی، اندوه و تهیه سراسیمه برنامه‌هایی بر سر و صداست که آن هم پس از کوتاه زمانی به فراموشی سپرده خواهد شد. اما این روزها در همان دبیرستان، روزهای آزمون‌های میسانل آموزشی را می‌گذرانیم. در سالن برگزاری آزمون‌ها، میان صندلی‌های چیده شده و پچه‌های درگیر با آزمون، گام برمی‌دارم. با اینکه دبیرستان سامانه گرمایش مرکزی دارد، از پنجره‌های استاندارد و عایق‌بندی شده خبری نیست و بخش فراوانی از گرما به هدر می‌رود، بچه‌ها با کلاه و شال و برخی با دستکش به پاسخگویی به پرسش‌های آزمون می‌پردازند.

از مدرک‌گرایی تا مدرک‌پرستی

جامعه کاربرد دارد، در صورتی که حقوق با گرایش قانون اساسی تخصصی است که فقط افرادی با بلندپروازی‌های سیاسی به آن رغبت نشان می‌دهند. همین‌طور وزیر امورخارجه آمریکا، هیلاری کلینتون نیز از دانشگاه ییل، یکی دیگر از دانشگاه‌های مشهور جهان، در رشته حقوق (با تمرکز بر حقوق کودکان) دکتر! دارد. آنجلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز پیش از اینکه به فعالیت‌های سیاسی روی بیاورد در رشته شیمی کوانتومی دکتر! گرفته بود و سپس، وقتی که به فعالیت‌های سیاسی روی آورد دکترای دوم خود را در علوم سیاسی گرفت. اما هیچ‌کدام نمی‌شنوید که افرادی را که در بالا نامشان آمد با عنوان دکتر اوباما، دکتر کلینتون، یا دکتر مرکل خطاب کنند.

بیماری مدرک پرستی مخصوصاً در جامعه پزشکان کشورمان به شدت شیوع دارد.

بسیاری از دانشجویان پزشکی انتظار دارند که همگان، حتی والدینشان، آنان را از همان روزی که نامشان در روزنامه درآمد آقا یا خانم دکتر خطاب کنند. حتی یکی از پزشک‌انی که به وی مراجعه می‌کنم، تو گویی عنوان بالای سربرگ و مهری که پای نسخه می‌زند کافی نیست، در امضایش هم خود را «دکتر…» می‌خواند و آدرس او میشل هم با Dr… آغاز می‌شود. بسیاری از دانشجویان دوره دکتر!

در رشته‌های دیگر نیز به همین سبک! از روز اول ترم اول انتظار دارند آقا یا خانم دکتر خطابشان کنی. برای برخی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی نیز ظاهراً فقط یک عنوان آفاقه نمی‌کند و اصرار دارند که آنان را حتماً «دکتر مهندس» خطاب کنی! اما مشکل اصلی در جایی است که این مدرک‌پرستی از حوزه فرهنگ عامه خارج شده و در حوزه‌های سیاسی و مدیریتی شیوع پیدا می‌کند. به

خاطر دارم که در نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی ذیل شرایط نامزدی «داشتن سواد در حد خواندن و نوشتن» کتایت می‌کرد، اما امروز، از قرار معلوم نامزدان نمایندگی مجلس باید حداقل مدرک کارشناسی‌ارشد (فوق‌لیسانس) داشته باشند، حال این مدرک را از کدام دانشگاه، و به چه رشته‌ای و به چه صورت و با چه نمراتی

بنزین پایه متانولی در مقایسه با بنزین موجود بالاتر است، ضمن آنکه با حذف ترکیبات حلقوی هیدروکربوری تولید و عرضه این نسل جدید بنزین دارای مزیت‌های زیست‌محیطی است.»

در همین حال وزارت نفت اعلام کرد مطالعات و برنامه‌ریزی برای تولید روزانه شش تا هفت میلیون لیتر بنزین با ترکیب ۳۵درصد متانول در ایران آغاز شده و به زودی عرضه آزمایشی این بنزین جدید در برخی از کلانشهرهای کشور آغاز می‌شود. تولید بنزین متانولی در شرایطی قرار است به تولید انبوه برسد که هم‌اکنون به گفته کارشناسان وجود ماده خطرناک MTBE به‌عنوان افزاینده عدد اکتان در بنزین‌های تولید داخل یکی از اصلی‌ترین مواد آسیب‌زا برای سلامتی شهروندان و افزایش آلودگی هواست. دکتر بهروز دهنراد درباره این ماده معتقد است:

«سرطان‌زا بودن این ماده سال‌هاست اثبات شده و استفاده از آن در کشورهای جهان ممنوع است.» در همین حال اما مهر در گزارشی نوشت: در حال حاضر به طور متوسط روزانه حدود ۱/۵ دلو میلیون لیتر MTBE به بنزین تولیدی پالایشگاه‌ها افزوده می‌شود و این در حالی است که با توجه به آلکندهای زیست‌محیطی MTBE در برنامه چهارم برنامه‌ریزی‌های برای حذف این ماده شیمیایی و آلکنده از ترکیب بنزین خودروها آغاز شد. از این رو مقرر شده بود به جای تزریق ماده شیمیایی MTBE، حدود پنج تا ۱۰ درصد ترکیب بنزین با سوخت رزستی اتانول پوشش داده شود تا عملاً با تولید بنزین E5 حداقل معادل پنج درصد بنزین مصرفی خودروهای کشور توسط اتانول سوختی به عنوان یک انرژی با کم‌نایم شود. با وجود این تاکنون اقدام خاصی برای تولید بنزین بر پایه اتانول در کشور صورت نگرفته اما در عوض بنزین متانولی تا چند روز دیگر از پاک خودروها سر در می‌آورد و باید منتظر تاثیرات این ماده جدید بر هوای همیشه آلوده کلانشهرهای کشور باشیم.

سوخت بنزین در موتور آنها بر می‌گردد. با این همه وزارت نفت از کار خود دفاع می‌کند و عزم خود را برای تولید بنزین متانولی جزم کرده است. به عنوان مثال چندی پیش جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره مهم‌ترین ویژگی‌های ترکیب جدید بنزین متانولی گفته بود: ترکیب جدید بنزین فاقد ترکیبات آروماتیک، بنزن و برخی از آلکندهای زیست‌محیطی است. همچنین فشار

شناساخته‌اند از این رو مدیران از تاخیر یا ناپسامانی دو ساله پرداخت سرانه آموزشی مدارس، چندان شگفت‌زده نشده و البته مبلغ ناچیزش نیز آنچنان به کارشان نمی‌آید. اما شهرستان‌ها و روستاها چه؟

پرسش بنیادین از وزیر آموزش و پرورش و مشاوران ایشان این است که آیا با این فضاهای آموزشی خطرخیز، جایی برای دگرگونی بنیادی می‌ماند؟ آیا چنین مدرسی، تاب دگرگونی‌های بنیادین شما را دارند؟ یا در حالی که بسیاری از مدارس، سست‌کم سنی بیش از ۲۰ سال دارند و آیین‌نامه‌های ایمنی زلزله، درباره آرایع‌ت نشده و بسیاری از آنها سامانه‌های گرمایش مرکزی، آتش‌نشانی خودکار، ساختمان‌های ایمن در برابر زلزله و… ندارند، جایی برای دگرگونی‌های ساختار آموزشی باقی می‌گذازد؟ جایگاه حفظ جان و روان دانش‌آموزان در شیوه مدیریت شما چگونه است؟ سست‌کم سنی بیش از ۵۴۰ دانش‌آموز است. وای به حال مدارس آتش‌سوزی مدارس و زمین‌لرزه‌ها باید جان بیازند تا شما، یک‌بار برای همیشه، به دگرگونی بنیادین در حفظ تدریستی دانش‌آموزان بپردازید؟

«کارشناس مسایل آموزش و پرورش

سوخت بنزین در موتور آنها بر می‌گردد. با این همه وزارت نفت از کار خود دفاع می‌کند و عزم خود را برای تولید بنزین متانولی جزم کرده است. به عنوان مثال چندی پیش جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره مهم‌ترین ویژگی‌های ترکیب جدید بنزین متانولی گفته بود: ترکیب جدید بنزین فاقد ترکیبات آروماتیک، بنزن و برخی از آلکندهای زیست‌محیطی است. همچنین فشار

بین دوست و فامیل و آشنا در باب سخت‌گیری دانشگاه‌های فرانسه و پیچیدگی درس لاف می‌زد و در نهایت قالیچه‌ای ابریشمی می‌خريد، به فرانسه بازمی‌گشت، قالیچه را به استادش هدیه می‌داد تا مدرک دکترای او را امضا کند و آنگاه به ایران بازمی‌گشت. تا با این مدرک دکتر! به پست وزارت یا وکالت مجلس منصوب شود. ظاهراً فرانسوی‌ها در این امر بد طولانی داشتند و دو نوع مدرک دکتر! طراحی کرده بودند، یکی دکترای واقعی که لازم‌اش دود چراغ خوردن و عرق جبین ریختن بود برای دانشجویان خوششان و یکی هم «دکترای قالیچه‌ای» برای افرادی از کشورهای جهان سوم، مانند ایران، که به مدرک دکتر! نیاز داشتند تا به پست و مقامی برسند.

این افشاگری‌ها در سال‌های اول انقلاب برای بسیاری چون این فقیر بسیار روشنگر بود، مخصوصاً زمانی که شعارهای انقلابی با مضامینی چون «ما تعهد می‌خواهیم، نه تخصص» در دیوار مدارس و دانشگاه‌ها را آراسته بود. بنابراین، در آن سال‌ها عجیب نبود که مردم می‌رفتندند سال‌ها دور از مهر وزیر خارجه کشورمان یک پزشک اطفال باشد و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی‌مان یک مهندس مکانیک، زیرا تعهد داشتند بنابراین تخصص در موضوع وزارت‌شان امری علی‌حده‌بود.

اما با گذشت سال‌ها، اوضاع عوض شد و باز سر و کله مدرک‌گرایی پیدا شد. آن هم با شدتی دو چندان، به‌حدی که امروزه نمی‌توان آن را مدرک‌گرایی خواند، بلکه باید «مدرک پرستی» نامید. البته در این‌دوره جدید جای فرانسه را کشورهای دیگر، به‌خصوص انگلستان، استرالیا و کانادا گرفته‌اند که نه‌تنها خود از کشورهای ره‌دو تا پنج علمی در سطح جهان به شمار می‌روند، بلکه در همان‌ها هم به جای دانشگاه‌های مهم و طراز اول به سراغ دانشگاه‌های رده سه تا پنج می‌روند. من‌باب مثال، آیا تراب‌هجال شنیده‌اند که حتی یکی از افرادی که دکترای خود را در انگلستان گرفته، فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های درجه‌اول آن کشور چون «کمبریج» و «آکسفورد» باشند. من که نه دیدم و نه شنیده‌ام؛ در عوض تا دل‌تان بخواهد دکتر از دانشگاه‌های بی‌نام و نشان و درجه چندم پهلوی ببرم‌نگام، بپرک. کوبینز کالج، شیفال، رادفورد و امثالهم داریم.

آ یا این عطش غریب نسبت به القاب و عناوین حاکی از احساس خودکم‌بینی ما ایرانیان است یا خو‌بزرگ‌بینی و غرور کاذب‌ان؟ نمی‌دانم؛ از دانش من باستان‌شناس خارج است که این‌امر را به طور علمی ارزیابی کنم؛ فردی با تخصص در روانشناسی اجتماعی را لازم است که این پدیده عجیب اجتماعی را بین ما ایرانیان تجزیه و تحلیل کند.

خبر

بازگشت داوطلبانه ۱۰۰ هزار پناهنده افغان در سال ۹۲

● **مهر:** معاون امنیتی، انتظامی وزارت کشور از بازگشت ۱۰۰هزار پناهنده افغان در سال ۹۲ از کشور خبر داد و گفت: روش‌های تشویقی و تسهیلاتی از سوی ایران و افغانستان و همچنین کمیسراری عالی سازمان ملل برای بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان از ایران انجام شده است. «علی عبداللهی» در نشست خبری روسای هیات‌های شرکت‌کننده در هجدهمین اجلاس کمیسیون سه‌جانبه بازگشت داوطلبانه پناهندگان آوارگان افغان گفت: در این اجلاس تصمیمات خوبی برای سرعت بخشیدن به بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان به کشور خود صورت گرفته و همچنین مشوق‌هایی در نظر گرفته شده است. وی گفت: این مشوق‌ها برای افراد تحصیل‌کرده و کارآفرین و افرادی که مهارت‌هایی برای کار کردن دارند در نظر گرفته شده به طوری که با بازگشت آنها به کشور خود بتوانند در بازسازی آن متمرکزتر باشند. به گفته معاون امنیتی، انتظامی وزارت کشور، همچنین کشور افغانستان قرار است مکان‌هایی را برای بازگشت پناهندگان در نظر بگیرد و زیرساخت‌هایی را برای آنان ایجاد کند. وی تأکید کرد: در حال حاضر بر اساس طرح و آمایشی که در سال ۹۱ انجام شد، ۸۵۰ هزار نفر از پناهندگان افغان دارای کارت هستند که طی دو سال گذشته ۵۰ هزار نفر از آنان به کشور خود به صورت داوطلبانه بازگشتند و همچنین در سال ۹۲ برای بازگشت داوطلبانه ۱۰۰ هزار نفر از آنان برنامه‌ریزی شده است. به گفته عبداللهی، افرادی که برای دریافت کارت مراجعه نکرده‌اند و تاریخ کارت آنان باطل شده است غیر مجاز تلقی شده و بر اساس مقررات داخلی با آنان اعمال قانون خواهد شد. وی در خصوص پناهندگان مجاز در ایران گفت: این افراد محل اقامت و حوزه ترددشان مشخص است و در کاری که دارند این موارد ذکر شده است و فقط مجاز هستند در حوزه تردد اشتغال و زندگی کنند. وی با اشاره به اینکه متأسفانه بخشی از پناهندگان غیرمجاز از طریق پاکستان وارد ایران می‌شوند، گفت: در این خصوص با مسؤولان پاکستان صحبت‌هایی انجام داده‌ام که امیدواریم با تمهیدات آنان این مشکل نیز برطرف شود و بر اساس توافق صورت گرفته این مرزهای مشترک برای ورود پناهندگان غیرمجاز از سوی ایران و افغانستان کنترل و نظارت شود. همچنین در این نشست انوری، وزیر مهاجرت افغانستان گفت: برای افرادی که به شکل داوطلبانه به افغانستان برمی‌گردند بسته‌های کمک‌ای از طرف سازمان ملل در نظر گرفته شده و در صورتی که آنها مکانی برای زندگی نداشته باشند پناهگاه‌هایی برای آنها احداث می‌کنند و با دریافت فرم مهارت از طریق کمیسراری سازمان ملل کمک‌های داخلی و بین‌المللی مانند وگناری زمین میان آنها اجرا می‌شود و استراتژی منطقه‌ای آن تدوین شده و در داخل افغانستان ۱۳ وزارتخانه مستقل مسوولیت‌های لازم را بر عهده گرفته‌اند.

طلب ۱۸۰ میلیاردی اامازز ادها از دولت

● **مهر:** معاون سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام کرد: بدهی دولت به امامزاده‌ها و مساجد افزایش یافته و امروز حدود ۱۸۰میلیارد تومان از دولت طلب داریم. حجت‌الاسلام شرف‌خانی، معاون سازمان اوقاف اظهار کرد: در ۹ماهه سال جاری مردم بیش از ۵۱ میلیارد تومان نذورات خود را نذر صریح امامزاده‌ها و بقاع متبرکه که کردند که از این مبلغ ۱۵درصد برای خود بقعه و پنج‌درصد صرف بقاع استان می‌شود. حجت‌الاسلام شرف‌خانی گفت: در ۹ماهه سال جاری تاکنون ۱۴میلیارد تومان صرف نیات مذهبی، چهارمیلیارد صرف نیات اجتماعی، ۱۰ میلیارد صرف مساجد، دومیلیارد صرف بقاع و حدود یک میلیارد صرف نیات امامزاده‌ها شده است. البته بر اساس مصوبه جدید مجلس دولت باید بودجه‌ای برای بقاع و مساجد اختصاص دهد که تاکنون این کار انجام نشده و دولت حدود ۱۵۰ میلیارد تومان به مساجد و ۲۹ میلیارد تومان به امامزاده‌ها بدهکار است. این در حالی است که واقعا وضعیت امامزاده‌ها در شأن این بزرگواران نیست.

خبر

● **ایلنا:** رییس کمیته آموزش عالی مجلس اظهارات روز گذشته خود درباره لغو قانون حذف کنکور را تخطیب کرد.

● **مهر:** رییس مرکز سنجش آموزش و پرورش اعلام کرد: نتایج مقدماتی ارزشیابی میزان تحقق اهداف هوشمندسازی مدارس نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از معلمان از رایانه برای جست‌وجو در یافته‌های علمی استفاده می‌کنند.
● **فارس:** مدیر کل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هوشناسی گفت: در دو روز آینده به سبب پایداری جو، افزایش آلاینده‌های جوی در کلانشهرهای صنعتی پیش‌بینی می‌شود.
● **مهر:** با گذشت بیش از ۲۰ روز از حادثه تلخ آتش سوزی مدرسه در پیرانشهر انگشتان دست سه دانش آموز قطع شده است.
● **فارس:** رییس انجمن پزشکان عمومی ایران گفت: کشورهایی ماننداسترالیا،امارات،عراق،کشورهای آسیای شرقی وحاشیه خلیج فارس به صورت مکتوب در خواست اعزام پزشک عمومی ایرانی داشته‌اند.
● **مهر:** سرانجام ژئوپارک قشم به دلیل ناتوانی مدیران سازمان منطقه آزاد قشم در انجام معیارهای ثبت جهانی ژئوپارک از فهرست یونسکو خارج شد.